



خبرگزاری تسنیم

گزارشی از وضع روستاهای بخش دشتیاری چابهار که در نبود برق و آب شرب فراموش شده‌اند

## «نوحانی بازار» خشکیده و خاموش

فیلم چهل و چهار ثانیه‌ای با حضور دو مرد، تمام نداشته‌های یک منطقه را در یک قاب جمع کرد. در این قاب مردانی با چهره‌های آفتاب سوخته و لباس سفید بلوچی، از نداشته‌های روستایشان می‌گویند، از آبادی‌ای که آباد نیست، دوربین روی چهره مرد مسن‌تر زوم می‌کند و او به زبان مادری از ۱۰ میلیون و پانصد هزار تومان پولی می‌گوید که اهالی «نوحانی بازار» به اداره برق دادند تا خانه‌هایشان روشن شود، اما نشد. این پول یک سال پیش خانه به خانه جمع شده بود، اما هنوز گداز چراغ‌های برق به روستا نیفتاده است. بعد تصویر مرد جوان‌تر داخل قاب دوربین جای می‌گیرد و او گودالی از آب گل‌آلود را نشان می‌دهد که از سیلاب جامانده و تنها منبع آب شرب اهالی نوحانی بازار و دام‌هایشان است. قصه این فیلم چهل و چهار ثانیه‌ای واقعیت زندگی بیشتر روستائین چابهار است. آنها که خانه‌های خشت‌وگلی‌شان با سیم‌های برق و روشنایی لامپ بیگانه است، آب لوله‌کشی برایشان آرزویی محال است و دل از آمدن جاده بریده‌اند. روستاهایی که ساخته دیروز و امروز نیست و عمر تعدادی‌شان به ۱۰ سال هم می‌رسد. آمارهای استان هم تکرار واقعیت این فیلم چندثانیه‌ای است؛ ۹۰ درصد روستاها آب شرب ندارند و هیچ تصفیه‌خانه‌ای در منطقه نیست. معدود خانه‌های بهداشت و مراکز درمانی همه امید اهالی است برای در امان ماندن از کرونا. حال آموزش هم خوب نیست و دانش‌آموزان اغلب برای رسیدن به کلاس درس، راهی طولانی طی می‌کنند.

### از چه بگوییم؟ از آب یا برق یا نبود مدرسه؟

جاده‌ها ناز کردند و به بعضی از روستاها نرسیدند و تیرهای چراغ برق هم نیامدند. لوله‌های آب هم میان راه ماندند و هیچ‌گاه به این آبادی‌ها نرسیدند.

نوحانی بازار یکی از همین روستاهاست؛ چشم انتظار جاده، برق، آب لوله‌کشی و مدرسه. ۱۶ خانواده زیر سقف خانه‌های خشت و گلی‌اش زندگی می‌کنند و از تاریکی شب به نور کم‌سوی فانوس‌های گوشه خانه پناه می‌برند. زمین‌های کشاورزی‌شان کمی آن طرف‌تر از خانه‌ها پهن شده است.

گودال گل‌آلود، لبریزنده از آب سیلاب، میان روستا جا خوش کرده تا تشنگی اهالی و دام‌هایشان را برطرف کند. دختران و پسران دانش‌آموز راهی طولانی را پیاده یا سواری موتور یکی از اهالی طی می‌کنند تا به مدرسه برسند. «یک سال پیش خانه‌به‌خانه پول جمع کردند تا روستا صاحب برق شود، اما هنوز خبری نیست. فقط امروز و فردا می‌کنند.» جاسم با نوحانی بازار غریبه نیست. «به بیشتر روستاها که سر بزیند اهالی برایتان از نبود جاده، برق، آب، مدرسه و حتی خانه بهداشت می‌گویند. برق به بعضی روستاها رسیده، اما هنوز خیلی از روستاها در خاموشی است. اهالی دشتیاری مردمانی نجیب و قانع‌اند برای همین هیچ‌گاه مطالبه‌گر نبوده‌اند. از وضع امروز مدارس می‌توان متوجه شد که بیشتر اهالی سواد ندارند و حتی نام بعضی‌شان هنوز در ثبت احوال ثبت نشده است.»

جاسم می‌گوید مردم دشتیاری به نبود آب لوله‌کشی عادت کرده‌اند و بعد از این همه دیده‌نشدن، دیگر آب را آرزویی دور می‌بینند، چون هنوز حتی «نگور» مرکز شهرستان دشتیاری هم آب لوله‌کشی ندارد، چه رسد به روستاهای اطراف. «شهرداری «نگور» هم زمان با شهرداری البرز افتتاح شد، اما هنوز آب شرب اهالی‌اش از منبع آب تأمین می‌شود. منبع آب ۱۰ روز آب دارد و ۲۰ روز ندارد. وقتی وضع مرکز شهرستان این است، چه انتظاری می‌توان از روستاها داشت؟» دشتیاری بدون آب، سه‌ماهه است که شهرستان شده و ۹۰ هزار نفر جمعیت دارد.

از ۱۶ خانوار نوحانی بازار، هر خانه یکی، دو دانش‌آموز دارد اما خبری از مدرسه نیست. دانش‌آموزان روزی دو و نیم کیلومتر راه را پیاده تا مدرسه می‌روند و امیدشان این است که روزی آموزش و پرورش به نوحانی بازار گد بدهد و خیرین، مدرسه‌ای در روستا غم نکند. تنها دلخوشی جاسم و اهالی دشتیاری این است که با این همه بداقیالی، هنوز پای کرونا به آنجا نرسیده. «با این شرایط آب و بهداشت خدا را شکر کرونا به اینجا نرسیده است، اما اگر مردم کم است؟ آنها نمی‌دانند از پولی که در ندری برای برق جمع کردند، گلايه کنند، از نداشتن آب شربی که بهوز روستا بارها گله‌اش را پیش مسئولان برده یا از زمین‌های کشاورزی که سیل به جان‌شان افتاد و روزی اهل خانه را قطع کرد؟» دی‌ماه بود که سیل آمد و سبزی را از زمین‌های کشاورزی گرفت. جهاد کشاورزی وعده داده بود که خسارت کشاورزان را جبران کند، اما حالا با گذشت پنج ماه از آن سیل، گفته شرط جبران خسارت داشتن سند زمین است. «جهاد کشاورزی بازرس فرستاد برای بررسی. آنها خسارت زمین‌های کشاورزی را تأیید کردند اما جهاد، سند زمین‌ها را می‌خواهد با علم به اینکه این زمین‌ها هیچ‌کدام سند ندارد.»

رئیس اداره برق دشتیاری دریافت مبلغ ۱۰ میلیون را تأیید می‌کند. «اهالی هنوز استعمال منابع طبیعی را نیاورده‌اند. یک‌سری تأمین اعتبارها هم مانده، ما طرح‌ها را می‌فرستیم استان. طرح رفته و تأمین اعتبار شده و حتی استان می‌گوید پیمانکار هم مشخص شده است. دهیاری یا بخشداری مرکزی چابهار استعمال منابع طبیعی و بنیاد مسکن را بیاورد، مشکلی برای شروع کار نیست.» او در توضیح پول دریافتی از اهالی نوحانی بازار به «شهروند» می‌گوید: «ما مبلغ را برای این گرفتیم که اعلام کنیم این روستا بالای ۱۰ خانوار است؛ در غیر این صورت برق‌رسانی نمی‌شد. در واقع ما به نفع اهالی کار کرده‌ایم. باید استعمال زمین‌شان بیاید تا بتوانیم از طریق شرکت توزیع پیمانکار بگیریم.»

۱۰ میلیون و پانصد هزار تومان فقط هزینه کنتور است. «ما تنها هزینه کنتور را گرفتیم تا روستا در اولویت پروژه برق‌رسانی قرار بگیرد. برق‌رسانی هزینه بالایی دارد انشعاب و شبکه برق برای اهالی روستا رایگان است و دولت پیمانکار می‌گیرد. هزینه این کارها نزدیک به ۳۰۰-۵۰۰ میلیون تومان می‌شود؛ هزینه شبکه‌رسانی، ترانس و...» در میان تأمین اعتبار شده‌ها نام «پهلوی مچی» به چشم نمی‌خورد هر چند سه سال پیش درخواست برق به روستا داده است. «اهالی پهلوی مچی پولی به اداره برق واریز نکرده‌اند برای همین تأمین اعتبار هم برایش نشده و در نوبت دهی هم قرار نگرفته است. این روستاها درخواست داده است.»

### سه‌م پایین چابهار از سرانه آب شرب، بهداشت و آموزش

قوانین قدیمی شرط ۱۰ خانوار را برای برق‌رسانی وضع کرده بود. این قوانین اکنون بیشتر روستاهای چابهار را بی‌برق به حال خود رها کرده است و آمارها هم از سه‌م پایین چابهار از سرانه آب شرب، بهداشت و آموزش حکایت دارد. شمسیه شیرخان‌زهی، بخشدار مرکزی چابهار، هم با تأیید این مسأله از نبود تصفیه‌خانه در این نقطه کشور می‌گوید. او به «شهروند» توضیح می‌دهد: «۹۰ درصد روستاهای چابهار آب شرب ندارند. روستاهایی هم لوله‌کشی ناقص دارند؛ یعنی به طور مثال روستایی که در گذشته ۶۴ خانوار داشته و آب شربش از لوله‌های فرسوده قدیمی تأمین می‌شده، حالا که جمعیتش به ۹۰ خانوار رسیده، از تأمین آب برای جمعیت اضافه‌شده درمانده است و آنها حتی از همان آب لوله‌کشی تصفیه‌نشده‌ای که از سد به خانه‌ها می‌آید هم محروم‌اند.»

شیرخان‌زهی از نوحانی بازار می‌گوید که در همان روزهای ابتدایی بخشدارشدنش با رئیس اداره برق به دیدن اهالی‌اش رفته بود. «به نظرم دریافت پول قبل از برق‌رسانی منطقه اشتباه بود. هر چند اداره برق می‌گفت باید این پول گرفته می‌شد تا استان ملزم به تعیین ردیف بودجه شود. ۷-۶ ماهی است موضوع را پیگیری می‌کنیم و توزیع برق باید این مشکل را برطرف کند اما هنوز اعتباری اختصاص نیافته است. در واقع می‌گویند از مرکز تأمین اعتبار شده اما به استان واریز نشده تا تأمین اعتبار کند.»

نبود راه مناسب و جاده‌های خاکی در دروساز درد مشترک روستاهای چابهار است. دانش‌آموزان اغلب این روستاها عادت به پیاده‌روی‌های طولانی برای رسیدن به مدرسه روستای هم‌جوار دارند. «دانش‌آموزان نوحانی بازار روزی دوونیم کیلومتر راه می‌روند تا به مدرسه روستای مجاور برسند. هر چند هرازگاهی اهالی دانش‌آموزان را با موتور به مدرسه می‌رسانند. از آموزش و پرورش خواستیم گد بدهد تا بتوانیم به کمک خیرین در روستا مدرسه بسازیم. ما منطقه‌ای داریم که ۲۵ روستا در کنار هم قرار گرفته‌اند اما مدرسه متوسطه ندارند.» استانداردهای سرانه فضای آموزشی برای هر دانش‌آموز ۶ متر است، در حالی که دانش‌آموزان چابهار فضای دومتري را تجربه می‌کنند و سهم روستاها به کمتر از یک‌متر می‌رسد. «چهار- پنج سالی است که کارهای خوبی در استان انجام شده اما هنوز با استانداردها فاصله معناداری داریم. سیستم و بولجستان جزو استان‌های محروم است و اختصاص بودجه بیشتر هم کمک نکرده که به استانداردها حتی نزدیک بشویم.»

خبر تولد در این روستاها زود به زود شنیده می‌شود. نوزادان در چشم به‌هم‌زدنی بزرگ می‌شوند و وقت مدرسه‌رفتن‌شان می‌شود. «آمار تولد در استان بالاست برای همین در زمینه مدرسه هیچ‌گاه نمی‌توانیم به استانداردها نزدیک شویم. چابهار نزدیک به ۵۵ درصد حاشیه‌نشین دارد در حالی که تنها ۴۵ درصد جمعیت در شهر زندگی می‌کنند. نرخ رشد جمعیت در استان بالاتر از سرانه کشور است برای همین هر سال به تعداد دانش‌آموزان اضافه می‌شود.»

### اهالی باید تقاضا بدهند، ما که اطلاعی از روستاها نداریم

«ما فقط مسئول آموزشیم و کاری به آب و برق نداریم. هر کدام از ارگان‌ها باید پاسخگو باشند. «بل» مدرسه دارد اما «مچی» را نمی‌دانم. پهلوی مچی که اصلاً دانش‌آموز ندارد.» حتی نام روستای نوحانی بازار هم برای نورا بادیا، رئیس آموزش و پرورش دشتیاری ناآشناست. «من متأسفانه من نام چنین روستایی را نشنیدم. کسی هم مراجعه نکرده که بگوید مدرسه نداریم. متقاضی باشد، می‌رویم بازدید. اگر تعداد دانش‌آموزان ۵ نفر باشد مدرسه باز می‌کنیم. اهالی باید تقاضا بدهند، ما که اطلاعی از روستاها نداریم. روستاهایی هستند که قبلاً خالی از سکنه بودند و حالا تعدادی در آنها زندگی می‌کنند.» بادیا به «شهروند» می‌گوید تنها با روستاهایی که شورا یا دهیار دارند در ارتباط هستند. «نمی‌دانم اصلاً این روستا شورا یا دهیار دارد یا نه؟ بخشدار نوحانی به مادرخواستی بابت گد نداده است.»

رئیس آموزش و پرورش دشتیاری با تأکید بر اینکه تمام روستاهایی که آموزش و پرورش در آن مدرسه دارد برق‌رسانی شده، از ۵۰ درصد روستاهایی که اینترنت دارند، می‌گوید: «دانش‌آموزان در روزهای تعطیلی مدارس به دلیل کرونا از آموزش فضای مجازی و شبکه شاد استفاده می‌کنند. تمام روستاهایی که در آنها مدرسه داریم، برق دارند. آموزش و پرورش صاحب ۳۵۱ مدرسه است. ۵۰ درصد روستاها به اینترنت و گوشی هوشمند دسترسی دارند و ۵۰ درصد باقی‌مانده هم به ناچار از شبکه آموزش مباحث درسی را دنبال می‌کنند.»



### ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان فقط پول کنتور بود

یک سال چشم‌انتظاری اهالی هنوز تیرهای چراغ برق را به روستا نرسانده و خانه‌هایشان در تاریکی مطلق با نور فانوس جان می‌گیرد؛ چشم‌انتظاری منوط شده به استعمال منابع طبیعی، تأمین اعتبار و تخصیص بودجه. وحید غلامیان مقدم،